

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که روایت «**إذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم**» به نظر ما اضطراب در متن دارد و این روایت بر فرض اینکه روایت باشد یا سقط در آن است و یا نقل به معنای محل شده و قابل استدلال نیست. گفتیم سه نکته اینجا اشاره می‌کنیم. نکته اول بیان شد. (در جریان حضرت موسی اشاره کردم که آنجا بحث حکم شرعی نیست بلکه امر تکوینی است، وقتی حضرت موسی می‌فرمایند این فرد کشته شده چگونه بفهمیم قاتلش چه کسی است؟ فرمودند یم گاو بیاورید و ذبح کنید و با بعضی از اعضای گاو به مرده بزید تا زنده شود و بگوید. داستان گاو بنی اسرائیل، که گاو می‌تواند مرده را زنده کند؟ مسخره کردند، اینجا به خاطر مسخره کردن آنها تزییق کردند، چون آنها دنبال حکم شرعی نبودند، آنجا حکم شرعی نیست و امر تکوینی است).

نکته دوم: که موجب اضطراب در متن روایت است، این فراز روایت است «**لو قلت نعم لوجب الحج في كل عام ولو وجب لما استطعتم**» اگر بگویم حج هر سال واجب است، واجب می‌شود ولی شما توانائی و استطاعت ندارید، سؤال: آیا جعل وجوب و حکم شرعی با عدم استطاعت مردم از طرف شارع صحیح است؟ شارع می‌تواند مردم را مکلف کند بما لایستطعیون؟ مگر می‌تواند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چیزی امر کنند که توانائی انجام آن را ندارند؟! خیر. (از مرحوم **شیخ حسین حلی** که استطاعت را به معنای حقیقی نمی‌گیرند، ولی استطاعت ظاهرش استطاعت حقیقی و دقی است).

نکته سوم: حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طبق این نقل می‌فرمایند «**لو قلت نعم لوجب الحج في كل عام ولو وجب لما استطعتم ولکفرتم**»^۲ این هم جمله عجیبی است اگر حج بر شما واجب شد، شما نمی‌توانید انجام دهید و بعد کافر می‌شوید، آیا معقول است آنچه را که مردم نمی‌تواند انجام دهند و استطاعت ندارند، اگر انجام ندهند کافر می‌شوند؟ لذا در برخی از نقلهای روایت در خود کتب اهل سنت این جملات به صورت دیگری آمده است که این اشکالات وارد نیست ولی آن ذیل «**إذا أمرتکم**» را ندارد.

مثلا در نقلی چنین است «**لو قلت نعم لوجب و لو وجبت لم تقوموا بها و لو لم تقوموا بها لعذبتم**»^۳ اگر من بگویم واجب است شما انجام نمی‌دهید و اگر این واجب را انجام ندهید عذاب می‌شوید، ولی جالب این است که ذیل «**إذا أمرتکم بشيء فأتوا منه ما استطعتم**» را ندارد.

به نظر ما ضمن اینکه این حدیث سنداً ساقط است از نظر متن هم اشکالات و اضطراباتی در حدیث است که به مدلول حدیث نمی‌شود ملتزم شد. لذا دلیل اول برای اثبات قاعده میسور که حدیث «**إذا أمرتکم بشيء فأتوا منه ما استطعتم**» سنداً و دلالتاً مورد مناقشه است.

دلیل دوم: برای قاعده میسور گفته شده است این حدیث است که «**ما لا یدرک کله لا یترک کله**» به لسان نفی یا به لسان نهی هر دو می‌شود خواند. نسبت به این جمله **ابن ابی جمهور احصائی** در **غوالی الثالی** مرسل از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حدیث را نقل کرده است،^۴ در کتب اهل سنت و کتب شیعه این حدیث وجود ندارد، **محقق عراقی** و **محقق بجنوردی** می‌فرمایند هر چند حدیث مرسل است ولی اعتماد اصحاب به این حدیث ثابت است و ضعف سند جبران می‌شود.^۵

۱ - جلسه ۲۰ - مسلسل ۲۳۵ - سه‌شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

۲ - مجمع البیان فی تفسیر القرآن - ط دار المعرفة جلد: ۳ صفحه: ۳۸۶: «و قیل خطب رسول الله (ص) فقال إن الله کتب علیکم الحج فقام عکاشة بن محصن و قیل سراقه بن مالک فقال أ فی کل عام یا رسول الله فأعرض عنه حتی عاد مرتین أو ثلاثا فقال رسول الله ویحک و ما یؤمنک أن أقول نعم و الله لو قلت نعم لوجب و لو وجبت ما استطعتم و لو ترکتم لکفرتم...»

۳ - تفسیر ابن کثیر - جلد: ۲ صفحه: ۸۲: «وَقَالَ ابْنُ مَاجَةَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ لَأَعْمَشٍ، عَنْ أَبِي سُوَيْبَانَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْحَجُّ فِي كُلِّ عَامٍ؟ قَالَ: "لَوْ قُلْتُ: نَعَمْ، لَوَجِبَتْ، وَلَوْ وَجِبَتْ لَمْ تَقُومُوا بِهَا، وَلَوْ لَمْ تَقُومُوا بِهَا لَعَذَّبْتُمْ"»

۴ - عوالي اللئالی العزیزیه؛ ج ۴، ص: ۵۸: «۲۰۷ و قَالَ ع مَا لَا یُدْرَکُ کُلُّهُ لَا یُتْرَکُ کُلُّهُ».

۵ - نهاية الأفكار؛ ج ۳؛ ص ۴۵۵: «و عمدة المدرك لها (النبي) المعروف إذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم و قوله عليه السلام ما لا یدرک کله لا یترک کله، و قوله عليه السلام المیسور لا یسقط بالمیسور، و اشتهار هذه الروایات الثلاث بین الأصحاب فی أبواب العبادات تغنی عن التکلف فی سندها». و منتهی الأصول (طبع جدید)؛ ج ۲؛ ص ۴۶۲: «و أما القاعدة فمدركها قوله صلى الله عليه و آله و سلم: «إذا أمرتكم بشيء

به صورت مختصر اشاره کنیم استناد اصحاب به این حدیث به هیچ وجه ثابت نیست. نه قبل از **شیخ طوسی** و نه **شیخ طوسی** و نه تابعین **شیخ طوسی** حتی استناد **علامه حلی** هم برای اثبات حکم شرعی به این حدیث ثابت نیست لذا کدام و کجا استناد مشهور؟

نکته: در مورد ورود و عدم ورود حدیث در کتب

محقق بحرالعلوم در مقدمه کتاب **بلغة الفقیه** وقتی که می‌خواهند نوشتن این کتاب را و علتش را توضیح بدهند یک عبارتی دارند، «**أخذنا بقولهم سلام الله عليهم ما لا يدرک کله لا یتبرک کله**»^۶ محقق این کتاب در پاورقی حاشیه می‌زند «**ما لا یدرک کله حدیث نبوی شریف ذکره العجلونی فی کشف الخفاء**»^۷، گویا مسلماً این حدیث است که **عجلونی** در کتابش ذکر کرده است. من تأسف خودم را می‌خواهم اعلام کنم از محققین کامپیوتری، و در این زمان اخیر بسیاری از کتابهایی که برخی از مراکز معتبر هم تحقیق کرده‌اند می‌بیند تحقیق کامپیوتری است. موارد آن قدر زیاد است و انسان برخورد می‌کند. کتابی را تحقیق کرده است یک مؤسسه معتبری مثلاً در ماده غنم «**الافادة من کل شیء**»، از جمله **معجم مقانیس اللغة**، وقتی مراجعه می‌کند می‌بیند **معجم مقانیس اللغة** گفته «**افادة شیء ما لم یملک قبله**»^۸ **عجلونی** یکی از علمای بزرگ اهل سنت است کتابی دارد به نام **کشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس**، می‌گوید من احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که سر زبانها افتاده است می‌خواهم بررسی کنم که درست است یا نه، مواردی را ذکر می‌کند از جمله این حدیث «**ما لا یدرک کله لا یتبرک کله**»، روش **عجلونی** این است که حدیث مشتهر در زبان مردم را می‌آورد و اگر این روایت سندی داشته باشد سند را ذکر می‌کند. جالب است در مورد این روایت هیچ سند و مدرکی پیدا نکرده بلکه می‌گوید قال نجم - که توضیح می‌دهم این نجم چه کسی است؟ ده‌ها مورد **عجلونی** در کتابش دارد که قال نجم - **نجم الدین** گفته است «**ولفظ الترجمة قاعدة و ليس بحديث**»^۹ این حدیث نیست. شما چگونه ادعا می‌کنید که **عجلونی** این روایت را در کتابش ذکر کرده است با اینکه **عجلونی** سند و مدرکی برای این حدیث پیدا نکرده است؟

نجم الدین محمد بن محمد غزی یک کتابی دارد به نام **بیان الاخبار الدائرة علی السن الناس**، که در این کتاب مثل **عجلونی** روایات مشهوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر زبان مردم است را بررسی می‌کند. **ابن ابی الحدید** در **شرح نهج البلاغه** در شرح این جمله «**وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنْ رَقَّ**»^{۱۰} می‌گوید «**یقال فی المثل ما لا یدرک کله لا یتبرک کله**»^{۱۱} این مثل است که در مثل گفته می‌شود «**ما لا یدرک کله لا یتبرک کله**». لذا هیچ دلیلی نه از شیعه و نه از اهل سنت بر اینکه این جمله حدیث است وجود ندارد. بعد **صاحب غوالی الثالی** مرسلاً نقل کرده است. از **محقق عراقی** و **محقق بجنوردی** هم انسان تعجب می‌کند که می‌گویند اعتماد اصحاب به این جمله ثابت است پس حدیث است. بحث دلالی این جمله خواهد آمد.

فأثروا منه ما استطعتم»، و قوله عليه السلام: «ما لا يدرك كله لا يترك كله»، و قوله عليه السلام: «الميسور لا يسقط بالمعسور»، و قد اشتهر نقل هذه الروايات بين الأصحاب و عملهم بها و استنادهم في فتاواهم إليها، و هذا يكفي في الوثوق بها و حجيتها و في عدم لزوم التفتيش عن سندها.

^۶ - بلغة الفقيه؛ ج ۱، ص: ۱۰: «فهمت بتحرير بعض المسائل المهمة- لو ينفذ بالشيخ هم بذل المهمة- أخذنا بقولهم- سلام الله عليهم-: «ما لا يدرك كله لا يترك كله» (۳) و الميسور لا يسقط بالمعسور (۴).».

^۷ - بلغة الفقيه؛ ج ۱، ص: ۱۰: «(۳) حدیث نبوی شریف، ذکره العجلونی فی (کشف الخفاء ج ۲ رقم ۲۲۵۸). و ذکر ابن أبي جمهور الأحسائي فی کتابه (غوالی الثالی): أنه علوي.».

^۸ - معجم مقانیس اللغة؛ ج ۴، ص: ۳۹۷: «غنم الغين و النون و الميم و النون أصلٌ صحيح واحد يدلُّ على إفادة شيءٍ لم يُملَك من قبل...».

^۹ - كشف الخفاء - ط القدسي العجلوني جلد ۲: صفحه ۳۰۵: «ما لا يدرك كله لا يترك كله. هو معنى آية ... (فاتقوا الله ما استطعتم) ... ومعنى حديث - وما أمرتكم به فأتوا منه ما استطعتم، و قال النجم لفظ الترجمة قاعدة وليس بحديث.».

^{۱۰} - نهج البلاغة؛ ص: ۴۵۰ حکمت ۲۳۴.

^{۱۱} - شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید جلد ۱: ۱۹ صفحه ۷۵: «وَقَالَ ع اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنْ رَقَّ. یقال فی المثل ما لا یدرک کله لا یتبرک کله.».